

## یادداشت سیاسی

بقیه از صفحه ۱

بوده که طرفهای خارجی کماکان این فرصت را داشته باشند که بتوانند افکار عمومی کشور خود را برای معامله با رژیم ارتجاعی و تروریستی حاکم بر ایران در بی خبری نگهدارند.

اما اکنون که واقعتهای انکار ناپذیر چشم و گوش بسیاری را باز کرده و حتی مدافعان ایرانی جبهه دوم خرداد در خارج از کشور را هم به موضع «کی بود کی بود من نبودم» واداشته و آقایان خاتمی و کروسی هم با صراحت بیشتر هرگونه اتهام «اصلاح طلبی» را رد می کنند.

به گزارش ایلنا روز سه شنبه ۱۸ فروردین سید محمد خاتمی طی سخنانی در نخستین مجمع ملی جوانان گفت: «کسانی که خواستار جمهوری هستند، بدانند که جمهوری سکولار در این کشور برقرار نمی شود.» وی تکرار می کند که: «استقرار یک جمهوری دموکراتیک سکولار به دلایل مختلف سیاسی و تاریخی قابل تحقق نیست.»

حرفهای آقای خاتمی را حجت الاسلام مهدی کروبی در جلسه روز یکشنبه ۳۰ فروردین تکمیل می کند. کروبی در ابتدا در رابطه با اردتش به ولی فقیه نظام می گوید: «من اگر جای خیرگان بودم و می خواستم رهبری تعیین کنم باز به آیت الله خامنه ای رای می دادم.» و سپس برای این که جای هیچ گونه حرف و حدیثی باقی نگذارد می گوید: «مجمع تشخیص مصلحت، حکم حکومتی و ولایت فقیه در قانون اساسی آمده است و هر یک به دلایل متقن و قانونی شکل گرفته است.»

وقتی دو تن از برجسته ترین سران جبهه دوم خرداد با صراحت جمهوری سکولار و دموکراتیک را رد می کنند و به درستی حکم حکومتی، مجمع تشخیص مصلحت نظام و ولایت فقیه را هم قانونی می دانند، آیا نباید مارک «اصلاح طلبی» آنان را با صراحت قلابی اعلام کرد؟

xx

مساله مداخله رژیم ایران در بحران عراق، یکی از مواردیست که جهانیان هنوز به عمق و وسعت آن پی نبرده و به ویژه بسیاری از نیروهای ترقیخواه، صلح طلب و آزادیخواه منطقه در مورد آن دچار سردگمی هستند. واقعیت این است که اشغال عراق بر سیاستهای توسعه طلبانه نظام ولایت فقیه و نقشه های این رژیم برای دست اندازی بر

تمامیت عراق و استقرار جمهوری اسلامی در عراق به مثابه یک گام مهم در جهت ایجاد «اتحاد جماهیر اسلامی» که استراتژی خارجی رژیم ایران بر آن استوار است، سایه افکنده است.

نظام استبدادی مذهبی ولایت فقیه برای بقا و پایداری خود نیاز به صدور بحران و توسعه بنیادگرایی اسلامی دارد. اهمیت این سیاست در نظام ولایت فقیه به حدیست که خامنه ای پس از مرگ خمینی و پس از آن مرگ اراکی حاضر شد از عنوان مرجعیت در داخل کشور صرف نظر کند اما با قاطعیت خود را مرجع تقلید شیعیان «خارج» از ایران اعلام کرد و برای به کرسی نشاندن این امر به ایجاد نهادها و ارگانهای مختلف و صرف هزینه های بسیار مبادرت ورزید.

دستگاه ولایت فقیه برای پیشبرد این سیاست از دو روش موازی استفاده می کند. سیاست رسمی رژیم به وسیله «شورای عالی امنیت ملی» تهیه و به وسیله وزارت امور خارجه و بعضی از ارگانهای دیگر به مورد اجرا گذاشته می شود. در این روش دروغ، نیرنگ، دو دوزه بازی، مانورهای فریبکارانه و عوامفریبانه اصلیتترین سیاستهای راهبردی رژیم می باشد.

روش دوم که برای ولایت خامنه ای جنبه اساسی دارد حرکت از طریق نهادهای ایدئولوژیک، تبلیغاتی است که همراه با بخش ویژه سپاه پاسداران به نام سپاه قدس و یک تشکیلات وسیع امنیتی و صاحب قدرت و با بودجه کافی سازماندهی شده است. سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، سازمان مدارس، مجمع جهانی اهل بیت و مجمع جهانی تقریب مذاهب از جمله نهادهایی است که زیر نظر کامل خامنه ای و بیت او قرار دارند و هیچ ارگانی حق نظارت و بازرسی و حسابرسی از آن را ندارد. خانواده های تسخیری، اصفی، محمدی گلپایگانی، شاهرودی که همگی عراقی هستند در این نهادها و ارگانها نقش تعیین کننده دارند.

در شرایط کنونی عراق همه ی این ارگانها و نهادها به طور فعال وارد عمل شده و هر یک وظیفه ای به عهده دارند.

خامنه ای برای ایجاد یک تشکیلات مذهبی در نجف برنامه ریزی جدیدی نموده است. هدف او این است که در مرحله اول بتواند از آیت الله سیستانی به بهترین صورت استفاده و یا به بیان درستتر سو استفاده کند و در مرحله بعد یک نیروی رقیب در نجف به وجود آورد. برای این هدف او به آخوند

اصفی که دبیرکل مجمع جهانی اهل بیت بود را مامور مسائل نجف نموده و یک آخوند- پاسدار- دیپلمات کارکننده از بیت خود، به نام عباس علی اختری را به دبیرکلی این مجمع منصوب کرده است. در مراسم تودیع دبیرکل قبلی و معرفی دبیرکل جدید که روز سه شنبه ۲۵ فروردین برگزار شد، ایدای خامنه ای به گوشه ای از اهداف خود اعتراف می کنند.

به گزارش ایلنا آیت الله محمدی گلپایگانی، رئیس بیت رهبری در جلسه معارفه عباسعلی اختری، دبیرکل جدید مجمع جهانی اهل بیت می گوید: «برای ما دست اندرکاران نظام در هر موقعیتی که هستیم فرصتی به دست آمده است که در طول تاریخ بی سابقه بوده است.» گلپایگانی البته بی نیاز از تشریح بیشتر این «فرصت» است، چرا که هاشمی رفسنجانی در نماز جمعه روز ۲۱ فروردین در مورد به وجود آمدن «فرصت» در عراق به طور مفصل صحبت کرده بود. به گزارش ایسنا رفسنجانی در نماز جمعه گفت: «راه آمریکاییها بسیار پرستگلخ است و عراق واقعاً باتلاق آمریکاست.» وی در ادامه مساله عراق را یک تهدید و فرصت اعلام می کند و می گوید: «تهدید از این جهت که این غول زخمی و دارای امکانات فراوان ممکن است کارهای خطرناکی انجام دهد ولو این که برای او گران تمام شود و فرصت از این جهت که آمریکا درس عبرت بگیرد و دیگر فکر استبداد جدید و لشکر کشی نباشد... اگر مساله عراق خوب اداره شود و آمریکاییها سرخورده شوند، دنیا برای مدتی از شر آنها خلاص می شود اما اگر آنها بتوانند به اهداف سیزده گانه خود برسند، جهنمی برای دنیا درست می کنند.»

در عوض گلپایگانی به تشریح ویژگیهای اختری می پردازد و می گوید: «از ویژگیهای بارز ایشان ایجاد وفاق در میان مجامع مختلف سوریه در طول ۱۲ سال سفارت وی بود.» و علاوه بر همه اینها از «مساله و وظایف آخوندی خود هم غافل نبود.» وی سپس اعلام می کند که «آیت الله اصفی هم اکنون در نجف حضور دارد و توسط مقام معظم رهبری به نجف اعزام شدند و هم اکنون در حوزه نجف مستقر است.»

به گزارش ایلنا در این مراسم آخوند محمد تقی مصباح یزدی، رئیس شورای مجمع جهانی اهل بیت، ضمن ستایش غلو آمیز از خامنه ای و گفتن این نکته که «یکی از ویژگیهای رهبری این است که در آن واحد در مورد مسایل

بسیار مختلف می اندیشند و درباره آنها طرح می دهند و اگر غلو نکنم این مساله بیشتر به اعجاز شباهت دارد» در مورد تواناییهای دبیرکل جدید این نهاد بیت رهبری اظهار امیدواری می کند که «اختری با کارهای سنجیده و تجربه چندین ساله خصوصا در سفارت سوریه و آشنایی با دنیا و تجربه مسئولیت در دفتر رهبری و با ویژگیهای شخصی ایشان بتواند که مجمع را از غربیتی که به آن مبتلا شده است نجات دهد.»

در همین مراسم آیت الله تسخیری نخستین دبیرکل مجمع جهانی اهل بیت می گوید: «برنامه ریزیهای مقام معظم رهبری برای تبلیغ جهانی، برنامه ریزیهای موفق بود که تشکیل سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، سازمان مدارس، مجمع جهانی اهل بیت (ع) و مجمع جهانی تقریب مذاهب از جمله این برنامه ریزیهاست.» باید اضافه کرد که این برنامه ریزیها در شرایط کنونی عراق شامل ایجاد صدها مدرسه، داروخانه، مرکز امداد، مرکز فرهنگی و کتابخانه و صدها واحد سیار تبلیغاتی نیز می باشد که در کنار نیروهای عراقی وابسته به رژیم ایران، به طور مستقل به پیشبرد سیاستهای مداخله گرانه و توسعه طلبانه ولایت خامنه ای در عراق مشغول کار هستند. در بسیاری از شهرهای شیعی عراق، با وجود نیروهای بنیادگرای عراقی و با کمک مستقیم ماموران ولی فقیه زنان مجبور به داشتن حجاب اجباری و کناره گیری از کار شده اند. بسیاری از نویسندگان، روزنامه نگاران، روشنفکران و فعالان اجتماعی مدافع نظام سکولار یا مجبور به سکوت شده اند و یا اگر ترور نشده باشند مجبور به ترک شهر شده اند. بنیادگرایان اسلامی با تبعیت از رژیم ایران در مقابل «جهنم اشغالگران» وعده «بهشت اسلامی» می دهند و اگر ولایت خامنه ای موفق به پیشبرد سیاستش در عراق شود، مردم ایران و عراق و نیروهای مترقی منطقه بیشترین زیان را خواهند دید. از این رو پایان دادن به اشغال عراق باید با تضمین جهانی برای به رسمیت شناختن خواسته های دموکراتیک مردم عراق همراه و همزمان باشد. تنها چنین تضمینی است که می تواند ولایت خامنه ای را از دست اندازی به عراق و ایجاد جهنمی دیگر برای مردم عراق باز دارد.